

بهلول و سجده سقف خانه

سفری برای بهلول پیش آمد و او به بصره رفت چون باید چند روزی را در شهر بصره می ماند، یک خانه ی قدیمی، اتاقی را اجاره کرد.



سفری برای بهلول پیش آمد و او به بصره رفت چون باید چند روزی را در شهر بصره می ماند، یک خانه ی قدیمی، اتاقی را اجاره کرد. در آن روزها، هوای بصره طوفانی بود و بادهای تند می وزید.

بهلول، شب را به اتاق رفت تا استراحت کند، اما باد زوزه می کشید و شلاق بر در و دیوار اتاق می کوبید.

بهلول چشم بر هم گذاشت و سعی کرد تا به خواب برود.

بهلول از جای برخاست و در و پنجره اتاق را بازرسی کرد و دید که آنها محکم هستند و صدایی از آنها بلند نمی شود.

بهلول به گوشه ی اتاق رفت و همان طور که سر پا ایستاده بود، گوشه های را تیز کرد. بعد از لحظه ای کوتاه فهمید که صدای (جرق، جرق) از تیرهای چوبی سقف شنیده می شود!

پیش خودش گفت وقتی تیرهای چوبی سقف به صدا درآید، حادثه ای وحشتناک در انتظار است.

بهلول بلافاصله به سراغ صاحبخانه رفت.

صاحبخانه با قیافه ای اخم آلود و عصبانی در مقابل بهلول ظاهر شد و پرسید: چه خبر است.

بهلول به اتاق خودش اشاره کرد و گفت: تیرهای سقف اتاق من صدای ناهنجاری دارد.

صاحبخانه فانوس را به زمین گذاشت بعد از بهلول پرسید:

متوجه نمی شوم که مقصود تو چیست؟ گفتمی که چه می شود؟

بهلول بار دیگر وحشت خود را از صداهایی که می شنید اعلام کرد و گفت: می ترسم که سرانجام تیرهای سقف شکسته شود و بر سرم ریزد.

صاحبخانه که از ماجرا خبر داشت و می خواست با بهلول شوخی بکند.

گفت: حضرت آقا! شما نباید از شنیدن این صدا وحشت کنید زیرا که آدم با ایمان و خداپرستی هستید.

بهلول با خونسردی فراوانی که همیشه از خودش نشان می داد گفت: آقای عزیز! ایمان و خداپرستی چه ربطی به پوسیدگی سقف اتاق دارد؟

صاحبخانه که پیش خودش فکر می کرد بهلول آدم ساده ای است و می تواند او را گول بزند، گفت: جناب شیخ! همه ی موجودات مشغول گفتن ذکر خدا هستند. تیرهای چوبی اتاق شما نیز مشغول ذکر گفتن هستند و این صدایی که می شنوید همان صدای ذکر آنها است!

بهلول تبسمي کرد و گفت: شما درست مي گوييد، اما چون ذکر خداوند سرانجام به سجده آنها مي رسد، من مي ترسم که اين تيرها به سجده بيفتند. پس بهتر است که زودتر فکري براي من بکنيد.

صاحبخانه وقتي اين پاسخ را شنيد، دانست که بهلول مرد هوشياري است و نمي تواند او را گول بزند، پس تصميم گرفت تا اتاق بهلول را عوض کند و اتاق مناسب تري در اختيار او بگذارد.